

«نرگس زار ارجان» و عطری که یادگار رضاست

درباره یکی از برکات حضور حضرت رضا (ع) در ایران هم زمان با سالروز هجرت این امام از مدینه به خراسان



عمری است دیده ایم هر کسی مسافر این شهر شده. آهویی بوده که به امید ضمانت آمده است. اصلا ما قرن هاست آهوانی ریمده از جور جهانی که تنها در آستان مهربانی رضاست که مامن و آرام پیدا می کنیم و چه قصه دل نشینی است این آهو بودن و آن ضامن شدن. این قصه اما تنها گوشه ای از کرامات رضاست که در روایت ها و کتاب ها آمده و شاید مشهورترینشان هم باشد. در این میان شاید کمتر کسی بداند در مسیر شش ماهه ادامه داشته است. حداقل ۱۵۹ استان و روایت معروف وجود دارد که نرگس زارهای ارجان یکی از آن هاست.

روایت های مایه گویند که مأمون همراهی کاروان امام را به فردی به نام رجا بن ابی ضحاک می سپارد و او دستور می دهد حضرت را از مسیر های کم جمعیت و دشوار حرکت دهد تا به این شیوه مانع تماس و سخن گفتن ایشان با مردم شود. برای همین است که نیم بیشتر مسیر کاروان از کویر و کوره راه ها می گذرد. با این همه وقتی کاروان حضرت ۲۵ ذی القعدة سال ۲۰۰ هجری قمری با گذر از معدن نقره و بصره از طریق شلمچه وارد کشور می شود. برخلاف پیش بینی ها و برنامه ریزی های مأمون. با استقبال بسیار زیاد شیعیان رویه رو می شود و در ادامه راه هم. این شوق از دیاری به دیار دیگر امتداد می یابد و سبب می شود که دیدار امام و مردم هر بار به قصه و حکایتی شنیدنی تبدیل شود. آن چنان که برای قرن ها آن را سینه به سینه حکایت کنند و آن را چون گنجی نگاه دارند.

یکی از این داستان های معروف در ارجان بهبهان رخ می دهد. جایی در دیار رامهرمز که دشت های گل نرگس تا هنوز به سراسر جهان عطر می پراکند. روایت است مردم این دیار که پیشه شان گشت و پرورش گل بوده است. برای استقبال از امام رضا (ع) دسته گلی از نرگس می پندند و به ایشان تقدیم می کنند. امام پس از بویدن گل ها. در حق مردم و برای پریرکت بودن محصول این اقلیم دعا می کند و پس از آن است که هر سال دشت هایشان پرگل تر و عطر گل هایشان. خوش بوتر می شود آن چنان که از آن روز تا هنوز یعنی پس از گذشت هزار و ۲۰۰ سال. گل نرگس این

خطفه. یکی از دشت های پرگل نرگس جهان است و هر ساله. وقت به بار نشستن دشت ها و زمین ها. این گل دسته دسته در جعبه ها چیده و به سراسر دنیا صادر می شود. اعتماد السلطنه در کتاب خاطراتش. گل نرگس را ارمغان این دیار می داند و می نویسد همه شیراز را با گل نرگس می شناسند و نمی دانند که گل نرگس از بهبهان به شیراز راه یافته است. او در مطلع الشمس این طور توضیح می دهد. «حاکم

شیراز با دیدن نرگس زارهای بهبهان. از این گل خوشش آمد و دستور داد آن را به شیراز بیاورند و در آنجا گشت کنند.» سواي گل های نرگس. این اقلیم ارمغان دیگری هم دارد و آن صدور گیاهان دارویی و گیاهان معطر غذایی به دیگر نقاط کشور است. البته که رشد گیاهان دارویی در این نقطه هم یکی دیگر از برکاتی است که محلی ها آن را یادگار عبور امام رضا (ع) از اینجا می دانند.

عطر می پراکند. روایت است مردم این دیار که پیشه شان گشت و پرورش گل بوده است. برای استقبال از امام رضا (ع) دسته گلی از نرگس می پندند و به ایشان تقدیم می کنند. امام پس از بویدن گل ها. در حق مردم و برای پریرکت بودن محصول این اقلیم دعا می کند و پس از آن است که هر سال دشت هایشان پرگل تر و عطر گل هایشان. خوش بوتر می شود آن چنان که از آن روز تا هنوز یعنی پس از گذشت هزار و ۲۰۰ سال. گل نرگس این

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیرمسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید سجاده طلوع هاشمی

سال هفدهم ۳۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۴۴۷۱۵۱۰۵۵۵ شماره ۴۷۵۶

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

Mashhadchehreh.ir Photosahr.ir

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۲۷:۵۳ غروب آفتاب ۱۸:۲۹:۰۸ اذان مغرب ۱۸:۴۹:۱۶

نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۳۲ اذان صبح فردا ۰۲:۴۷:۵۵ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۲۶:۳۹

امام رضا (ع): دینداری حاصل نمی شود، مگر پس از شناخت و شناخت پدید نمی آید، مگر با اخلاص.

التوحید، صفحه ۴۰، حدیث ۲

تقویم تاریخ

امروز سالروز شهادت احمد شعبانی، اولین شهید لشکر پیروز ۷۷ خراسان در نا آرامی های کردستان است. شش نفر از کارکنان گردان در اولین ماه حضور در کردستان به شهادت رسیدند که اولین آن ها، گروهان یکم احمد شعبانی کلاته بود که در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ به شهادت رسید.

۲۳ اردیبهشت سالروز درگذشت علامه سید ابوالحسن حافظیان، طراح چهارمین ضریح حرم امام رضا (ع) موسوم به «شیر و شکر» است که در سال ۱۳۶۰ از دنیا رفت. نقل است که مرحوم علامه حافظیان رابطه بسیار نزدیکی با علامه نخودکی و امام خمینی (ع) داشت.

کاظم مدیرشانه چی، حدیث پژوه و از بنیان گذاران دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۱ از دنیا رفت. از آثار متعدد او می توان به «فرهنگ فرق اسلامی»، «تاریخ حدیث»، «علم الحدیث»، «آیات الاحکام»، «چهل حدیث حضرت علی (ع)» و... اشاره کرد.

کتابخوان

یک ایران و یک اهل بیت

کتابی درباره آیین های رضوی و تاریخچه آن در کشورمان

کتاب «آیین های حرم مطهر رضوی»، به قلم علی اخوان مهدوی و رضا نقدی در ۱۹۲ صفحه از سوی انتشارات به نشر در بازار کتاب عرضه شده است. این اثر مکتوب، به بررسی آیین ها و مراسم مختلفی می پردازد که در حرم امام رضا (ع) برگزار می شود و سپس تاریخچه و فلسفه این مراسم را به خواننده توضیح می دهد. کتاب شامل مباحثی از قبیل شعائر مذهبی در ایران و اهمیت آن ها در تقویت ایمان و ارتباط معنوی مردم با اهل بیت (ع) است. همچنین، بررسی آیین های مرتبط با خدمت به زائران و مجاوران نیز از دیگر بخش های این کتاب است. در «آیین های حرم مطهر رضوی»، به آیین صفا اشاره شده که یکی از مراسم مهم در حرم است و به عنوان یک فرصت برای یادآوری فضایل اهل بیت و تقویت روحیه زائران شناخته می شود.

چکامه

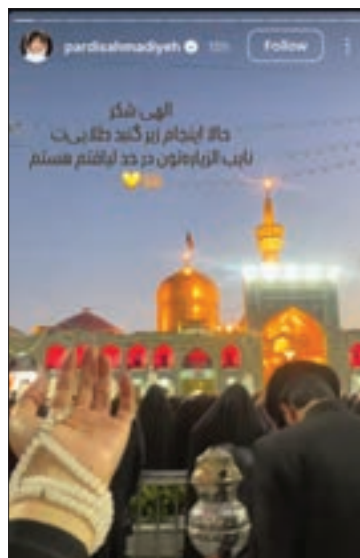
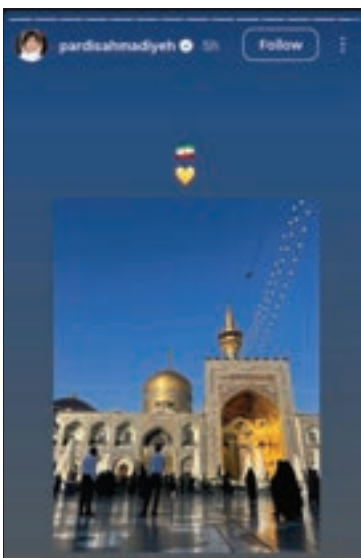
مضمون بکر غیر تو پیدا نمی کنم تا مدح توست، لب به سخن وانمی کنم معنای پاک اسم تو در هیچ واژه نیست من با پیاله دست به دریا نمی کنم در وصف آستین سخن را به هیچ روی صد سینه حرف دارم و بالانمی کنم آنقدر سر بلند بر ایوان نشسته ام کز خانه هم به جز تو تماشا نمی کنم من ذره ام که خانه خورشید خویش را از هیچ کس به جز تو تقاضا نمی کنم ای گنبد همیشه مطهر به عطر اشک جز در حریم کوی تو مأوانمی کنم در آستان بخشش تو چون حضور شمع جز با سرشک و شعله مدارا نمی کنم نامم اگر «غلام رضا» هست خویش را با نردبان اسم تو بالانمی کنم

غلامرضا شکوهی

تصویر براساس محتوای متن با هوش مصنوعی ساخته شده است

پردیس احمدیه با انتشار استوری هایی از افتخار خادمی امام رضا (ع) گفت

امام رضا (ع) تنها امید ما



عکس هایی که از او می بینیم؛ پردیس احمدیه شب سه شنبه تا طلوع دیروز صبح نوبت کشیک خادمی اش بوده. این هنرپیشه محبوب با انتشار تصویری در بخش استوری صفحه اش در اینستاگرام نوشته است: «الهی شکر؛ حالا اینجام زیر گنبد طلائی، نایب الزیارتون در حد لیاقتم هستم.» او که در آثاری چون «لامینور» و «پوست شیرو» به عنوان نقش اول زن بازی کرده است در استوری دیگری نوشته است: «امام رضا (ع) تنها امید همه» و بعد از آن هم از مزه بهشتی چای های چایخانه حضرت نوشته است.

احمدیه که در ایام جنگ تحمیلی سوم، چه در فضای مجازی و اجتماعات مردمی و چه در عرصه عمومی حضوری همدلانه و مؤثر داشت. لحظه تحویل سال نورانی کنار نبروهای هلال احمر گذراند تا قوت قلبی برایشان باشد.

پردیس احمدیه بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون، افتخار خادمی علی بن موسی الرضا (ع) نصیبش شد. او با انتشار استوری هایی در اینستاگرام با وجد و شوق این موضوع را رسانه ای کرده و گفته توفیق نوکری این صحن و سرا نصیبش شده است. براساس



جیغ بکشم، بخندم و بدانم زندگی همین لحظه های پرحرارت و رنگی است. با این همه، من امروز همان مادری هستم که بچه اش را می گذارد توی رواق کودک و بعد می رود یک گوشه و صحن و تا می تواند از رنج بلاتکلیفی این روزها با آقای خودش رازدل می کند. همانی که آرزوی کنی کاش سقف آسمان این آب و خاک هم مثل سقف آسمان رواق کودک، همیشه آبی و آفتابی و امن باشد.

درست نقطه مقابل کودکی ما که هیچ نمی دانستیم انتهای این زیارت طولانی کجاست. دلم می خواهد این روزها، توی رواق کودک دنیای آدم بزرگ ها زندگی کنم. جایی که خورشید توی آسمان آبی سقش همیشه می خندد و تکلیف آدم با همه چیز روشن است. دلم می خواهد کسی مرا بگذارد توی رواق کودک آدم بزرگ ها و بگوید کارمان که تمام شد برمی گردیم دنبالت و بعد من تا می توانم بازی کنم،

آبی، آفتابی و امن

روایتی از رواق کودک در صحن پیامبر اعظم (ص)

بلاتکلیفم. مثل باقی آدم های این جغرافیا. درست وسط یک برهه زمانی نامعلوم که آدم نمی داند چقدر باید منتظر بماند تا برگردد به چیزی که بود. زمان کش می آید و انگار هرچه بیشتر می دوی، دیرتر می رسی. دستم به خیلی چیزها نمی رسد. قدم هایم کوتاه شده. قامت کوتاه شده. صبرم کوتاه شده. یک جایی توی حرم بچگی ها، مثل وقت هایی که با مادر می آمدم حرم. حرم از منظر یک کودک ۷.۶ ساله، ته

نداشت. یک عمارت باشکوه تمام نشدنی بود که می شد تا رفق توی پا هست، روی سنگ فرش هایش دوید و رسید به جایی که معلوم نبود. توی دنیای یک کودک ۷.۶ ساله، زمان تعریف مشخصی نداشت. هیچ معلوم نبود یک زیارت ساده چقدر طول می کشد. همه چیز شبیه بلاتکلیفی این ایام بود. آن زیارت های کودکانه، یک سفر فراموشی بود. حالا اما همه چیز فرق کرده. یک جایی توی حرم ساخته اند به نام رواق کودک. یک سقف هزار نقش دارد که خورشید توی نگاره هایش، همیشه می خندد. توی سقف ها، انبوه بادکنک های سبز متراکم شده اند و هر طرف سر بچرخانی رنگ می بینی و بازی و سرگرمی. بچه ها، برای آن مدتی که والدین می خواهند یک دل سیر با صاحب آستان رازدل کنند، توی این مجموعه هیجان انگیز از بند آن زمان کش دار بلاتکلیف رها می شوند و آن وقت عقبه ها، تا موعد بازگشت والدین به سرعت حرکت می کنند. بچه ها، توی رواق کودک حرم، مثل ایام پیش از جنگ ما آدم بزرگ ها، دارند زندگی عادی خودشان را می کنند. می روند. می خندند. زمین می خورند. بلند می شوند و این مابین گاهی دلتنگ پدر و مادرهای می شوند.

